



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۹/۰۳



س.ح. روع

به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟
گفتار سی و چهارم

جنگ می رود تا جنگ بیاید!

اوضاع کندز در کانون توجه همه هموطنان قرار دارد؛ هموطن افغان دیگر به چنین اوضاعی نه بمانند یک لرزه می بیند، و نه بمانند یک زمین لرزه؛ هموطن افغان دیگر حتی نمی پرسد که چرا چنین می شود؟ به وضاحت می نویسیم که هیچ راز و رمزی در این رویداد ها نیست؛ به وضاحت می نویسیم که این رویداد ها نشان می دهند که خلطه سوراخ «صلح»، از زیر هر قول که برآید، آبچکان نیست، خونچکان است!

حضور فعال وزرای دفاع و داخله افغانستان در صحنه نبرد یک نشانه مورال بلند نظامی، و یک ضمانت برای پیروزی است؛ با همه ناتوانی ها و ناکامی ها، اسدالله خالد براننده ترین وزیر دفاع افغانستان، درسالهای اخیر، است؛ اسدالله خالد مرد میدان است؛ و سرنوشت خود را از سرنوشت سرباز جدا نمی کند!

حادثه جاری کندز جوانب روشن داخلی دارد؛ یک عده که برای خود جای می پالند، برای طالبان امتحان وفاداری می دهند؛ در حادثه کندز کسانی همدست شده اند که در انتخابات ذی نفع نیستند؛ پس راه انتخابات را سد می کنند؛

حادثه جاری کندز جوانب روشن خارجی دارد؛ در قدم اول پاکستان در نظر می آید؛ گزارش شد که قوماندان طالبان کندز یک جنرال متقاعد پاکستانی است؛ بعد گزارش شد که قوماندان طالبان کندز کشته شد؛

پاکستان در شرایط دشواری قرار گرفته است، و بهرحال تلاش دارد تا جایی که ممکن است بازی با جنگ افغانستان را ادامه بدهد؛ پاکستان شرط گذاشته است که همزمان با موافقت طالبان با امریکا، طالبان پاکستانی هم باید حاضر ساخته شوند که با دولت پاکستان موافقت امضا کنند؛ یعنی پاکستان دریک توافقی که طالبان با امریکا امضا بکند، مصلحت های خود را در خطر می بیند؛

پاکستان درمقابله با هند هم به مشکلات افتاده است؛ خوشامدگویی عمران خان به استقرار پایگاههای امریکا در پاکستان، منظورش این است که از حضور امریکا در برابر هند استفاده شود؛ اما علی رغم مراجعات مکرر و اصرار مؤکد عمران خان به سران کنفرانس G-۷، مودی موفق شد با پرزیدنت ترامپ این موضع را مشترک بسازد که معضله کشمیر، یک معضله «دوجانبه در میان هند و پاکستان» شمرده شود؛ استخبارات هند گزارش دادند که وضع

الجیش نیروهای پاکستانی به استقامت هند در حال تغییر است؛ اما همزمان مطبوعات گزارش دادند که مقروضیت دولتی پاکستان به یک درجه بلند تر ۸۰ میلیارد دالر بالا رفته است؛ این که پاکستان از شکست در برابر هند می ترسد و یا نمی ترسد؛ کار خودش؛ اما مشکل پاکستان این است که اصلاً توان جنگ با هند را ندارد!

از جانب دیگر سایر همسایه ها هم در کارزار مرد افگن کندز، افتاوه لگن گرفته اند؛ چار ولایت، از شش ولایتی که اخیراً دچار حملات طالبان بوده اند، در شمال افغانستان هستند؛ پس تهدید به تجزیه افغانستان، در لحظه کنونی، به حیث یک «سناریوی فشار» علیه امریکا وارد میدان ساخته می شود؛

• مذاکرات دوحه تنها در دور نهم، ده روز طول کشید؛ از موضوعات مورد «مذاکره»، و یا «مناقشه»، چیزی نمی دانیم؛ جناب دکتر خلیل زاد در توئیتر خود چند مطلب را تصریح کرده است:

یکی این که دور نهم مذاکرات به پایان رسید؛ و خلیل زاد با متن دست داشته راهی کابل است؛ دوم این که در تحت هرگونه توافقی که با طالبان نایل بیاید، امریکا در برابر نیروهای امنیتی افغانستان متعهد باقی می ماند؛

سوم این که، صرف، چنین ذکر شده «یک توافقی... که خشونت را کاهش داده و راه را برای افغان ها خواهد گشود تا برای مذاکرات در مورد صلح با عزت و پایدار و یک افغانستان متحد و بااقتدار... با هم بنشینند»؛

• در رابطه با بند اول آن چه ما می دانیم این است که سر نخ مناقشه های دوحه تا زنج کاخ سفید کشیده شده است؛ و پس از کشمکش های طولانی، بالاخره جناب جان بولتون، مشاور امنیت ملی پرزیدنت ترامپ، از رأی زنی و تصمیم گیری پیرامون موضوع افغانستان کنار گذاشته شده است؛ جناب بولتون مهم ترین کسی بود که بر خلاف خارج شدن نیرو های امریکایی از افغانستان موضع می گرفت؛

در رابطه با بند دوم آن چه ما می دانیم این است که جنرال میلر در دور اخیر مذاکرات با طالبان شرکت داشت؛ و جنرال میلر، در انکشافات اخیر کندز، فوراً در کنار وزرای دفاع و داخله افغانستان در میدان جنگ ظاهر شد؛ و عملیات کندز در تحت این تشریک مساعی، امروز با موفقیت به پیش برده شد و طالبان در استقامت های اصلی به عقب نشینی وادار شدند؛ محسن جمشید خیرنوشت: «طالبان از کندز رانده شدند»؛ در روزهای اخیر طالبان در چندین جبهه شکست خورده اند؛

از حوادث جالب، کشته شدن برخی چهره های ارشد طالبان بوده است؛ مطبوعات می گویند که کشته شدن این اشخاص نشان می دهد آن جناح طالبان که حاضر به موافقه با امریکا هستند، فعالانه کمک می کنند تا جناح های رقیب در میان طالبان سرکوب شوند؛ معنای این سخن این است که دشمنی در میان جناح های طالبان خونین تر می شود؛

در رابطه با بند سوم آن چه ما می دانیم این است که

اول امریکا با قاطعیت در موضع حفظ و حمایت قوای مسلح افغانستان قرار گرفته است؛ غنی هم در روز های اخیر به تکرار تأکید کرد که بالای سرنوشت قوای مسلح افغانستان هیچ معامله ای صورت نخواهد گرفت؛ پس این سوال که قوای مسلح افغانستان «منحل ساخته شود»، دیگر روی میز بحث قرار ندارد؛ این مهمترین نسخه پاکستانی بود؛ و

اینک یک خاطر جمعی کلان به مردم افغانستان داده شده است که در برابر «امر معروف طالبانی» بی دفاع رها نمی شوند؛ قوای مسلح افغانستان از مردم حمایت و دفاع می کند؛ دوم این که در این توپیت، داکتر خلیل‌زاد از حمایت از دولت کنونی افغانستان سخنی نمی آورد؛ پس دولت افغانستان باید ثابت بسازد که حمایت قاطع مردم افغانستان را با خود دارد؛ سوم این که اما بهر حال، و کاملاً با وضاحت، در این توپیت از ختم جنگ؛ از آتش بس؛ و از صلح؛ ذکری نیست؛ از «کاهش تشنج» سخن می گوید؛ و این که «راه خواهد گشود ... تا افغانان ... با هم بنشینند»؛ پس نخست توافق امریکا با طالبان، یک توافق است در میان امریکا و طالبان؛ و ربطی، یا حد اقل ربط مستقیم و مُسَلَّمی، با صلح در افغانستان ندارد؛

بعد در این توپیت، «افغانان» بحیث یک اصطلاح سیاسی، و بجای دولت، آمده است؛ یعنی، مطابق به این توافق، افغانستان در یک موقف فاقد دولت، و فاقد نظام سیاسی، تعلیق می شود؛ این یک تقلیل وضع به یک زمینه انارشستی است که هیچ ضمانتی برای مهار ندارد؛ روشن سخن می گوئیم: معلوم نیست چرا چنین می کنند؟ بالاخره در این توپیت، انتخابات، اصلاً مسکوت گذاشته می شود؛ چون طالبان گفته اند انتخابات دایر نه شود؛ ملا ضعیف گفت اگر انتخابات دایر شود، معنا این که جنگ برای پنج سال دیگر ادامه می یابد؛ یعنی چی؟

یعنی این که با ختم مهلت کار دولت کنونی، «مذاکرات» دایر شود؛ و «افغانان» مجبور ساخته شوند که در میان فقط دو احتمال تصمیم بگیرند: یا امارت و «شورای اهل حل و عقد» بالای شان ه‌ای شان سوار ساخته شود؛ و یا جنگ ادامه بیابد؛ حقیقتاً سوال می کنیم که چرا احتمال سوم مسکوت گذاشته می شود؟ احتمال سوم چیست؟ احتمال سوم این است که انتخابات دایر شود؛ و مردم در شرایط آزاد تصمیم بگیرند که آینده شان چگونه باشد!

در اجلاس اخیر G-۷ فرانسه و هند مشترکاً بر تدویر انتخابات تأکید کردند؛ انگلستان ۸ ملیون پوند برای تدویر انتخابات کمک کرد؛ اتحادیه اروپا به تدویر انتخابات متعهد شد؛ چرا به مردم فرصت ابراز نظر داده نه شود؟ چرا انتخابات دایر نه شود؟ چرا جمهوری تاسیس نه شود؟

جامعه مدنی افغانستان، روشنفکری افغانستان، زنان و جوانان افغانستان، بدانند و آگاه باشند که فردا دیر است!!

یک نامه جناب نبیل بحث های گسترده بر انگیخت؛ مطابق به معمول، بحث های ما پیرامون شخص و اشخاص متمرکز بودند؛ قصد ما نه بحث در شخص است؛ و نه بحث در وابستگی ها؛ اگر که برای مدت طولانی با این هردو باید کنار بیاییم؛ قصد ما این است که یک بحثی را مطرح کنیم که نه در نامه خود جناب نبیل مطرح بود؛ و نه ما آن را به دقت عنوان می کنیم؛ این بحث این است که مقصد ما از «اجماع منطوقی» دقیقاً چی است؟

با نظریه نامه جناب نبیل، چنین می فهمیم که یک کاندید گویا پلان کرده بوده که در تفاهم با محافل در تهران و اسلام آباد و ماسکو و پیکن در انتخابات موفق شود؛ و بعد با اتکا به این «پلان منطوقی»، امریکا از افغانستان بیرون انداخته شود؛ چنین بازی ها در افغانستان غیر منتظره نیستند؛

از سایر تفصیلات نامه جناب نبیل صرف نظر می کنیم؛ و به دو مسأله توجه می کنیم:

یکی این که همین چار کشور حامیان مستقیم طالبان در طی سال های اخیر بوده اند؛ پس امریکا که اینک با طالبان کدام رقم «توافق» را جشن می گیرد؛ حقیقتاً به چی دست یافته است؟ چگونه است که سناتور لیندسی از همین حزب جمهوری خواه به تکرار هشدار می دهد که طالبان قابل اعتماد نیستند؟

دیگری این که گیریم چار کشور از چار طرف افغانستان دست یکی کردند، و امریکا را بیرون انداختند؛ بعد چی؟

بعد همین چار کشور چنان به جان افغانستان و منابع افغانستان می افتند، که کسی به یاد نداشته باشد! و هیچ کس هم باز نمی تواند چیزی بگوید! چون هر کدام این کشور ها «وابستگان» خود را در افغانستان دارند! از این جاست که یک بیرون رفتن یک جانبه امریکا، هنوز بمعادل «استقلال» افغانستان نیست! پس منظور از «اجماع منطوقی» چیست؟

اجماع منطوقی در دو گام تحقق می یابد: گام نخست همه جوانبی که هم اکنون در افغانستان رقابت می کنند، اعم از امریکا، اروپا، چین، روسیه، هند و دیگران، اینان همه بپذیرند که هر کدام شان می توانند افغانستان را اشغال کنند؛ اما هیچکدام شان نمی توانند افغانستان را نگهدارند؛ اینک امریکا هم این حقیقت را به تجربه در می یابد؛

اگر در بازی اشغال، و بازی های مشابه، یک راه حل نیست، پس اصول بازی باید عوض شود؛ معنا این که همه جوانب رقابت کننده بپذیرند که در میان خود یک حد فاصل، یک حد حایل، تأسیس کنند؛ آیا خود افغانستان همان «حد حایل» است؟

پاسخ می دهیم که نی! چون رقابت ها امروز دو جانبه نیست، بل چندین جانبه است؛ پس این «حد حایل» فقط می تواند یک مجموعه از کشور های منطقه ما باشد، که افغانستان در «مرکز» شان قرار دارد؛ یعنی کشورهای ترکیه، ایران، پاکستان، تاجکستان، ازبکستان، قرغیزستان و ترکمنستان، که به دورادور افغانستان قرار دارند، در یک اتحادیه منطوقی به گراگرد افغانستان «جمع» می شوند؛ همان که اینقلم نام «حوزه تمدنی ما» را برای آن داده ام؛ این حوزه تمدنی با همه کشورها و قدرت های جهان رابطه مساویانه دارد؛ همه می توانند در این حوزه تمدنی سرمایه گذاری کنند؛ این حوزه تمدنی با همه همکاری می کند؛ و همزمان همه را از همدیگر دور نگه می دارد؛ منظور از «اجماع منطوقی» چنین چیزی است؛

از اینجاست که اجماع منطوقی بدیل ندارد! همه راه ها به حوزه تمدنی ما می رسد! امروز یا فردا جهان ردای جنگ را بر سنگ می زند؛ و اینقدر متمدن خواهد شد که بپذیرد «حوزه تمدنی ما» به نفع همه است!

**** * * * * *

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشه ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "ارشیف" شان رهنمائی شوند!

به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟ (گفتار ۳۴)
Rogh_h_۴۱_ba_aozaaye_watan_tshiguna_bengarem_۳۴.pdf